



اصطلاحات عرفان و تصوف

علی اشرف امامی

اصطلاحات الصوفیه

(فرهنگ اصطلاحات عرفان و تصوف)

تألیف: شیخ عبدالرزاق کاشانی

ترجمه: محمد خواجوی

چاپ اول: ۱۳۷۲ (۱۶۲ ص)

انتشارات مولی - ۳۰۰۰ ریال

عبدالرزاق کاشانی از عرفای مشهور قرن هشتم (متوفی ۷۳۵ هـ) است، که در ترویج عرفان نظری سهم بسزایی داشته است. از حیث شخصیت علمی، آثار به جامانده از وی نشان می‌دهد که او متتبع، صاحب‌نظر و محقق بوده و در تبیین غوامض متون عرفانی در زمره شارحین تراز اول به شمار می‌رود. شرح وی بر منازل السائرين خواجه عبدالله انصاری، از دیدگاه اهل فن بهترین شرح در عرفان عملی و سیر و سلوک است. تاویلات کاشانی که بنام تفسیر محی‌الدین انتشار یافته، در حد خود اثر تفسیری کم‌نظیری است که عرفان محی‌الدین در آن هویدا است. از حیث شخصیت مذهبی، صاحب‌الذریعه «شیخ آقا بزرگ تهرانی» وی را در ردیف مؤلفین امامیه به شمار آورده، و در ذیل عنوان «تاویلات کاشانی» از قول شهید ثانی نقل می‌کند، که همانند آن کتابی در این موضوع نوشته نشده است.^۱ شیخ عبدالرزاق کاشانی در کتب مختلف خود اعتقاد و ارادت به ائمه معصومین (علیهم‌السلام) را نمایان ساخته و از جمله در همین کتاب (اصطلاحات صوفیه) پس از تعریف اصطلاح خاتم ولایت در مورد مصداق می‌نویسد: و آن حضرت مهدی موعود - علیه‌السلام - در آخر الزمان است.^۲

ارزش و اهمیت اصطلاحات صوفیه

مصنف در آغاز کتاب خطبه‌ایی ایراد کرده و در طی آن خدا را سپاس می‌گوید که بر او و طائفه عرفا منت گذارده و آنان را با روح معاینه از دامهای نقل و استدلال بی‌نیاز ساخته است.^۳ در این سپاس و ستایش نکته عمده نشان دادن تقابل قیل و قال و مناظرات و اختلافات صاحبان علوم رسمی با مشاهدات عینی و مکاشفات اهل معرفت است. در واقع انگیزه پیدایش اصطلاحات عرفانی را در

این افتراق می‌توان جستجو کرد، بدین معنی که: اهل علوم ظاهری، مبنای تحقیق و تتبع علمی خود را بر اساس نقل و استدلال گذارده‌اند. لذا اصطلاحاتی که در حیطه علوم ظاهری پدید می‌آید، بناچار زائیده تفکرات فلسفی یا آثار نقلی است که ایندو از دیدگاه عرفا مظان شک و گمراهی است. چه اینکه آنان مدعی‌اند علومشان را از خداوند «حی لایموت» گرفته‌اند و بر همین مبنای مدرکات خود را مستند به طوری و راء طور عقل می‌دانند. اما در عین حال معتقدند، عقل با استعانت از قوه دیگری که از آن شریفت‌تر و نورانی‌تر است، می‌تواند این مفاهیم والا را درک کند، و آن هنگامی است که از مشکلات روح انسانی، نور آفتاب‌س کند، و به کمک حافظه و قوای وهمیه و متخیله و با الفاظ معینی قادر به تعبیر معانی عرفانی است. بهمین دلیل عبارات ارباب مکاشفه و مشاهده که به نور ذاتی عقل نایل آمده‌اند، از حیث بلاغت در سطح بسیار بالایی است.^۴ این عبارات که در قالب رمز و اشاره ظهور یافته بواسطه بیان غیر مستقیم معنا و پیام، تأثیر بیشتر و عمیق‌تری در خواننده و یا شنونده ایجاد می‌کند.^۵

البته انگیزه اصلی عرفا در رمزی ساختن عبارات به دور داشتن و حفظ رازهای مقدس از افراد نادان و جاهل بوده است. چرا که از نظر آنان حقایق عرفانی «حکمت مسکوت عنها» است، و این حکمت آنگونه که در اصطلاحات صوفیه آمده، عبارتست از: «اسرار حقیقت که دانشمندان ظاهری و عوام از مردمان - آنگونه که باید بدانند نمی‌دانند - و این یا زیانشان می‌رساند و یا هلاکشان می‌گرداند».^۶ شیخ فریدالدین عطار «قدس سره» طی حکایتی از داستان رازگویی امیرالمومنین علی (ع). نشان می‌دهد که شنیدن اسرار حق و حکم عرفانی تحمل و سعه صدر می‌طلبد:^۷

مصطفی جایی فرود آمد به راه	گفت آب آرید لشکر را ز چاه
رفت مردی باز آمد با شتاب	گفت پر خون است چاه و نیست آب
گفت پندارم ز درد کار خویش	مرتضی در چاه گفت اسرار خویش
چاه چون بشنید آن تابش نبود	لاجرم پر خون شد و آیش نبود

گذشته از این، با حفظ اصطلاحات در باب توحید و تخیل معانی آن نمی‌توان به کمال رسید، که آن نوعی توقف در توحید رسمی است:

اصطلاحاتی است مرا بدال را	که نباشد زو خیر قوال را
لحن مرغان را اگر واصف شوی	بر مراد مرغ کی واقف شوی
گر بیاموزی صفیر بلبلی	تو چه دانی کوچه دارد با گلی

اما به هر حال دانستن اصطلاحات می‌تواند، فایده‌ایی برای عموم و بهره‌هایی برای خواص داشته باشد. چون باتوجه به اینکه مغز و لب کلام عرفا، از منبع فیاض قرآن و سنت سرچشمه می‌گیرد و تنها زبان و تعبیرشان فرق دارد. لذا برای کسانی که استعداد سلوک دارند. دانستن این عبارات و اشارات می‌تواند، انگیزه و شوقی ایجاد کند. تا به تحصیل آن کمالات همت بگمارند. و برای کسانی که در وادی سلوک گام برداشته‌اند دانستن اصطلاحات از این جهت ضرورت دارد که با آن می‌توانند در حد خود از مقامات و کمالات اولیا و مشایخ مطلع و از اختلاف منازل سلوک و تعبیر

کاملان باخبر گردند. شیخ عطار (قده) در بیان گوناگونی اولیای حق می‌نویسد:^۸

«اولیاء مختلفند، بعضی اهل معرفت‌اند، و بعضی اهل معامله و بعضی اهل توحید و بعضی همه‌اند، و بعضی به صفتی‌اند و بعضی دون صفتی و بعضی بی‌صفت‌اند.»

برای نمونه در زمینه تعدد مشارب اولیا، با مطالعه اصطلاح «عباده» و تقسیماتشان تا حد زیادی می‌توان از این تنوع مطلع شد: «عباده» طبقه تعریف شیخ کاشانی (ره) به صاحبان تجلیات اسمایی اطلاق می‌گردد که به حقیقت اسمی از اسمای الهی نایل آمده و به صفتی که حقیقت آن اسم باشد، نسبت عبودیت یافته‌اند.^۹ لذا به یکی «عبدالرزاق» و به دیگری «عبدالعزیز» و «عبدالحمید»... گفته می‌شود، که در این بین مطالعه تعاریف «عبدالظاهر» و «عبدالباطن» همچنین «عبدالروف» و «عبدالمتقم» تفاوت را به نحو احسن بیان می‌کند. و در زمینه اختلاف تعبیر کاملان، مطالعه مکتوبات شیخ عبدالرزاق کاشانی به شیخ علاءالدوله سمنانی «قدس سرهما» در اینکه آیا از حق تعالی به «وجود مطلق» می‌توان تعبیر کرد یا نه؟ سودمند می‌باشد.^{۱۰} و در همین کتاب (اصطلاحات صوفیه) مولف به اختلاف خود با دیگر اهل معرفت در تعیین مصداق «امام اسماء» می‌پردازد.^{۱۱} و در جای دیگر از کتاب به اختلاف ابن عربی با بیشتر اهل فن در شرح اصطلاح تلوین اشاره می‌کند.^{۱۲} که مطالعه و دقت نظر در این اختلافات نظری برای پژوهشگر عرفان ضروری به نظر می‌رسد.

رابطه اصطلاحات الصوفیه با تأویلات

مصنف پس از خطبه آغازین، به انگیزه خود برای نگارش کتاب اشاره می‌کند، از جمله اینکه کتاب فصوص‌الحکم و تأویلات وی بر قرآن حکیم بر پایه اصطلاحات صوفیان است. با مطالعه تأویلات می‌توان به ارتباط آن با کتاب اصطلاحات پی برد. چون منشأ برخی اصطلاحات، تأویل صوری است که یک سالک در واقعه و عارف در مکاشفه‌اش می‌بیند و چه بسا همان تأویل را در جای خود برآیه‌ایی از قرآن جاری کند. بعنوان مثال شیخ کاشانی (قده) در شرح اصطلاح عرفانی موت، از حضرت صادق (ع) بیانی را شاهد می‌آورند که «الموت هو التوبه» یعنی «مرگ همان توبه کردن است» آنگاه وی این توبه و رجوع را عبارت می‌داند از بازگشت قلب به عالم اصلی خودش که عالم قدس و نور و حیات است که با موت ظاهری از حیث رجوع به عالمی وسیعتر اشتراک دارد. سپس با تأویلی از آیه (۵۴) بقره، شرح این اصطلاح را خاتمه می‌دهد. «فتوبوا الی بارئکم فاقتلوا انفسکم»، «به خالق خودتان بازگردید و خودتان را بکشید» پس هرکس توبه حقیقی کند، نفس خود را کشته است.^{۱۳} مشابه همین تأویل و تعبیر در واقعات و خوابهای اهل سلوک به چشم می‌خورد. شیخ لاهیجی در شرح گلشن راز، واقعه‌ایی از واقعات اوایل سلوکش را نقل می‌کند که در آن، پیر و مرشدش پتک بزرگ آهنین بر سر او فرود می‌آورد. و او در حال فرود آمدن پتک بر سرش، با ترس و وحشت می‌گوید: «توبه» «توبه» در چنین حالتی در دلش خطور می‌کند که «بگذار تا بزنند و بمیری که خوب است»^{۱۴} پس از آن، ترس او برطرف شده و تسلیم مرگ می‌گردد. در این واقعه مرشد به او

تفهیم می‌کند که با گفتن توبه، توبه محقق نمی‌شود، بلکه شرطش مردن است. با مطالعه این دو کتاب، موارد بسیاری که بیانگر ارتباط منطقی تأویل با اصطلاح عرفانی است، مکشوف می‌گردد. در خاتمه شایان ذکر است که کتاب «اصطلاحات الصوفیه» توسط محقق دانشمند جناب آقای محمد خواجوی ترجمه شده است و از مزایای ترجمه ایشان (که در ترجمه قرآن حکیم نمونه‌ای از اعلای آن ظاهر گشته است) گذشته از رعایت امانت و سلاست بیان، بر مبنای متن صحیح و اصلاح شده عربی برگردان شده است. چرا که مترجم متن تصحیح شده‌ایکه قبلاً توسط یکی از اساتید مصری ارائه شده بود را، متن تحریف شده می‌دانند که به سبب امتزاج حواشی یا اصل و سقطات فراوان، برخی اصطلاحات مفهوم خود را از دست داده و برای ترجمه مناسب نمی‌باشد. لذا این کتاب که براساس متن درست و قابل اطمینان به دست فارسی‌زبان می‌رسد، ترجمه‌گرانقدری است از شرح (۵۱۱) پانصد و یازده اصطلاح عرفانی (نود و نه تایی آن به شرح «عبادله» اختصاص دارد) که مطالعه آن (بعنوان کتاب مرجع) به عرفان پژوهان و مشتاقان معرفت و دانشجویان ادب فارسی توصیه می‌شود.



پیشگامان علم و ادب در نظام‌های فرهنگی

۱. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ج ۲ ص ۳۸۱.
۲. اصطلاحات الصوفیه، ترجمه محمد خواجوی، انتشارات مولی، ص ۳۴.
۳. همان، ص ۳.
۴. عقید القواعد، انجمن حکمت و فلسفه - ص ۲۴۸-۲۴۹.
۵. رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی - دکتر تقی پورنامداریان ص ۱۱۹.
۶. اصطلاحات الصوفیه ص ۳۰.
۷. منطق الطیر، انتشارات علمی فرهنگی ص ۳۱-۳۰.
۸. تذکره الاولیاء، انتشارات منوچهری، ص ۵.
۹. اصطلاحات الصوفیه ص ۷۳.
۱۰. تفحات الانس - انتشارات اطلاعات ص ۴۹۲-۴۸۴.
۱۱. اصطلاحات الصوفیه ص ۱۲.
۱۲. همان، ص ۲۰.
۱۳. همان، ص ۱۵۰.
۱۴. شرح گلشن راز تصحیح خالقی - انتشارات زوار - ص ۳۵۴.